

## «اصالة الصّحة» يا اصل صحت قراردادها در حقوق ايران

---

دکتر توفيق عرفانی<sup>۱</sup>



۱. قاضی بازنشسته دیوان عدالت اداری، وکیل دادگستری و دکتر در حقوق خصوصی.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## «اصالة الصَّحَّةُ» یا اصل صحت قراردادها در حقوق ایران

### مقدمه

قوانین هر جامعه‌ای بر پایه عقاید و عرف و عادت مرسوم و سنن آن جامعه استوار است. عناوین و اصطلاحاتی که قوانین کشور ما از عرف جامعه خود مخصوصاً از قواعد مربوط به احکام اسلامی و قواعد متداول در السنَّة فقها پذیرفته است، بسیار زیاد است که از جمله آنها می‌توان قاعده یا اصل صحت (اصالة الصَّحَّةُ) را نام برد. این اصل که در فقه شیعه مقام ارجمندی دارد در کتاب‌های بسیاری از فقهاء شیعه درباره آن سخن رفته و در موارد متعددی به آن استناد گردیده و فقه اهل سنت نیز با آن نا آشنا نمی‌باشد.

در قوانین ایران نیز اصل یاد شده کاربرد فراوانی داشته و مواد متعددی از قوانین ما نیز براساس این اصل تنظیم و تصویب گردیده است و آنچه که عمدتاً در این نوشته مورد بحث قرار می‌گیرد کلیاتی راجع به اصل صحت و ضرورت و تأثیر آن در قوانین است. علی‌هذا از سابقه تاریخی و ماهیت آن و همچنین اصل صحت در شبهه حکمی و موضوعی و تعارض استصحاب با اصل صحت و اصل صحت در فقه اهل سنت نیز به لحاظ مناسبت آنها با موضوع تحقیق سخن خواهد رفت. همچنین اصل صحت و کاربرد آن در تفسیر قراردادها و اصل صحت در قانون مدنی ایران مباحث دیگری از این نوشته را تشکیل می‌دهد.

بخش اول این بررسی، شامل تعریف و کلیاتی در باب ضرورت اصل صحت و در

بخش دوم به سابقه تاریخی اصل صحت اشاره خواهد شد. ماهیت اصل صحت بخش سوم و ادله صحت، بخش چهارم و اصل صحت در شبهه حکمی و موضوعی نیز بخش پنجم این نوشته را تشکیل می‌دهد. در بخش ششم از تعارض اصل صحت با استصحاب در بخش هفتم از تأثیر اصل صحت در تفسیر قراردادها سخن خواهد رفت. در بخش هشتم، از اصل صحت در فقه اهل سنت و در بخش نهم از اصل صحت در قانون مدنی و رویه قضایی بحث خواهد شد و سرانجام در بخش دهم نتایج کلی بحث و بررسی درباره اصل صحت بیان خواهد شد. در پایان با توجه به گستردگی و تخصصی بودن موضوع و با اذعان به قلت بضاعت علمی خود و اینکه این بررسی خالی از عیب و نقص نخواهد بود انتظار ارشاد و راهنمایی جهت رفع کاستی را دارد.

## بخش اول

### «تعریف و ضرورت اصل صحت»

**تعریف:** «اصل» به معنی ریشه و پایه و دلیل و قاعده و «صحت» نیز به معنی مباح بودن و فاسد نبودن آمده و منظور از اصل مذکور آن است که در عقود و ایقاعات فرض قانون بر صحت آن می‌باشد و مدعی فساد باید دلیل بر فساد آن را اقامه کند و هرچند که اصل صحت در معاملات و عقود و معاملات جاری است ولی با همان دلایل مربوط به «عقود و معاملات» در «ایقاعات» نیز جاری خواهد بود.<sup>۱</sup>

«ضرورت وجود اصل صحت»: در جریان رسیدگی به دعاوی در مراجع قضایی مسائل پیچیده و گوناگونی مطرح می‌شود و دادرس در بسیاری از آنها به یقین یا ظن نزدیک به آن نمی‌رسد. مثلاً قراردادی مطرح می‌شود که سنخ و نظیر آن سابقه نداشته است و دادرس درمی‌ماند که آیا آن را صحیح و نافذ بشناسد و یا اینکه آن را فاسد

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، «دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت»، ج ۱ - نشر راستاد، صص ۲۱۹ - ۲۱۸.

اعلام نماید، مثلاً آیا رعایت تشریفات مربوط به تنظیم سند رسمی و ثبت از دفتر املاک از شرایط صحت و خرید و فروش املاک ثبت شده است یا هدف از این قواعد حفظ حقوق اشخاص ثالث است و ارتباطی به نفوذ عقد در رابطه طرفین ندارد. یا اینکه شخصی برای اجرای قرارداد یا گرفتن خسارت ناشی از عهد شکنی اقامه دعوی می کند و خواننده پاسخ می دهد که پای بند قرارداد نمی باشد زیرا که هنوز دو طرف در مرحله مذاکره مقدماتی انجام معامله بوده اند. و یا ادعا می کند هنگام امضاء قرارداد دچار عارضه جنون ادواری بوده است. در دنیای کنونی که امور بازرگانی، سرعت و اعتماد بیشتری را طلب می کند و بعضاً طرفین قرارداد همدیگر را نمی بینند و قرارداد با وسایل پیشرفته از قبیل تلفن و فاکس و ارتباطات اینترنتی انجام می گیرد طرفین در هنگام تنظیم قرارداد فکر تهیه دلایل و مدارک جهت طرح دعوی را در آینده ندارند و معمولاً با حسن نیت و همانند دو فرد صادق و معتمد با همدیگر روبرو می شوند. علی هذا در مقام بروز اختلاف، علم حقوق مانع از تزلزل اعتماد عمومی گردیده و در مقام چاره جویی اصلی را بنیان می نهد که اعتبار قرارداد را در پناه خود بگیرد.

به عنوان نمونه ماده ۲۲۳ قانون مدنی در این باره می گوید:

«هر معامله ای که واقع می شود محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود» و بدین ترتیب بار اثبات بی اعتباری قرارداد را بر دوش کسی می نهد که مدعی فساد در معامله است و این اقدام قانونگذار بر مبنای سیره خردمندان و برای حفظ مصالح جامعه می باشد و به همین جهت و دادرس دادگاه تردید را کنار می گذارد و سیره خردمندان را معیار داوری خود قرار می دهد.

۱. سیدعلی حائری شهاباغ، حقوق مدنی، ج ۱، نشر گنج دانش ۱۳۷۶ ص ۲۰۳ - ۲۰۱، سیدحسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ص ۲۰۷، سال ۱۳۴۸، ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، صص ۵۲ - ۵۱، ناشر بهنشر، سال ۱۳۶۸.

## بخش دوم:

## سابقه تاریخی (حقوق تطبیقی)

از مضمون ماده ۲۲۳ قانون مدنی در فقه اسلامی تحت عنوان «اصالة الصحة» یاد شده و آیه شریفه «أوفوا بالعقود» و چندین آیه دیگر و همچنین روایت معروف (المؤمنون عند شروطهم) و روایات دیگر نیز حکایت از سابقه چندین صد ساله این اصل در شرع انور فقه اسلامی دارد،<sup>۱</sup> در حقوق فرانسه نیز می‌توان از اصل مذکور نشانه‌هایی یافت: در ماده ۱۱۵۷ کد ناپلئون چنین آمده است: در صورتی که شرطی قابل حمل به دو معنی باشد باید آن را به معنایی گرفت که بتواند ثمری داشته باشد نه به معنایی که هیچ اثری بر آن بار نشود.<sup>۲</sup> و از آنجائی که شرط پاره‌ای از عقد و تابع آن است بنابراین اصل صحت قراردادها شامل شروط ضمن عقد نیز می‌شود و بدین ترتیب هرگاه شرطی دارای معانی مختلف بوده باشد و به موجب یکی از این معانی قرارداد منعقد در مظان فساد و بطلان قرار بگیرد بنا بر اصل صحت آن را درست می‌شمارند و به احتمال فساد و بطلان آن اعتنایی نمی‌کنند.<sup>۳</sup> در مواد ۲۲۶۵ و ۲۲۶۸ قانون مدنی فرانسه نیز ملاحظه می‌شود که قانونگذار فرض حسن نیت در تصرف در مال غیرمنقول دیگران را در نظر داشته است و اصل صحت در لباس حسن نیت آمده است.<sup>۴</sup>

ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد که در قراردادها باید به تبیین قصد مشترک طرفین بیش از معانی ظاهری و لفظی واژه‌ها توجه شود.

یکی از نمونه‌های اصل صحت در حقوق فرانسه ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی فرانسه می‌باشد.

۱. ابوالحسن محمدی، قواعد فقه، نشر دادگستر، ص ۲۴۳ سال ۱۳۸۰.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، جلد ۱، ناشر ابن سینا، ص ۳۶۶، سال ۱۳۴۸.

۳. حسین فریار، اصل صحت «مقاله» - مجموعه مقالات حقوقی، زیر نظر دکتر ابوالقاسم گرجی، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۶۶، چاپ ۱۳۶۵.

۴. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، نشر راستاد، ص ۲۱۱.

توضیح اینکه مطابق ماده ۱۱۳۱ قانون مذکور هر معامله حتماً باید دارای علت و آن علت نیز مشروع باشد و معامله‌ای که فاقد علت یا دارای علتی نامشروع باشد فاقد اثر می‌باشد ولی هرگاه سند معامله فاقد ذکر علت باشد، آیا می‌توان گفت که آن معامله اصلاً علت نداشته و یا دارای علت نامشروع بوده است؟ و انسان از لحاظ وجود یا عدم وجود علت به تردید می‌افتد، آیا عدم وجود علت و ذکر نشدن آن در قرارداد دلیل بر نداشتن علت و یا نامشروع بودن آن است و باید معامله باطل اعلام شود و یا اینکه فرض کنیم ذکر علت در قرارداد فراموش شده و یا طرفین به جهتی از جهات آن را در قرارداد درج ننموده‌اند و معامله صحیح است. و ماده ۱۱۳۲ بدین پرسش پاسخ می‌دهد که قرارداد معتبر است هرچند که علت در آن ذکر نشود. بدین ترتیب در هنگام تردید در میان صحت و بطلان قرارداد. ماده مرقوم جانب صحت را می‌گیرد و قرارداد را معتبر می‌شمارد.<sup>۱</sup>

در ماده ۱۴۴ قانون مدنی مصر نیز به پیروی از نظریه تحول در حقوق آلمان آمده است که «اگر عقدی باطل یا قابل ابطال متضمن ارکان عقد دیگر باشد آن عقد با اعتبار عقدی که ارکان آن را داراست صحیح می‌باشد. هرگاه معلوم شود که نیت دو طرف عقد منصرف به ابرام این عقد بوده است». همانند این حکم در ماده ۴۰ قانون مدنی عراق و ماده ۱۰۵ قانون مدنی الجزایر نیز دیده می‌شود.<sup>۲</sup>

### بخش سوم:

#### «ماهیت اصل صحت»

تردید نیست که مفاد ماده ۲۲۳ قانون مدنی یک قاعده موضوعی نیست و قانونگذار نمی‌خواهد حکم مستقلی را بنیان بگذارد و به همین جهت اعتبار اصل

۱. حسین فریار، اصل صحت «مقاله» - مجموعه مقالات حقوقی، زیر نظر دکتر ابوالقاسم گرجی، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۶۷.

۲. عبدالرزاق السنهوری، ج ۱، معیار الالتزام، ناشر دارالاحیاء التراث العربی لبنان بیروت، ص ۴۹۷، بدون تاریخ چاپ.

صحت تا هنگامی است که خلاف آن ثابت نشود و قسمت اخیر ماده مرقوم مقرر می‌دارد: «... مگر اینکه فساد آن معلوم شود.» علی‌هذا این سؤال مطرح می‌گردد که آیا اصل صحت یک «اماره قانونی» و یا یک «اصل عملی» می‌باشد. بی‌شک نمی‌خواهد بود که اشاره‌ای به تعریف اصل و اماره داشته باشیم:

**الف: اصل -** قاعده‌ای را که هنگام جهل و تردید نسبت به حکم قانونگذار و برای رفع سرگردانی در مقام عمل به کار می‌رود، اصل می‌نامند. به عنوان مثال ماده ۶۰۱ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که قسمت به غلط واقع شده است تقسیم باطل می‌شود. «براساس اصل صحت تنظیم یافته است و لذا چنانچه بعد از انجام تقسیم احد از طرفین ادعا کند که تقسیم به غلط انجام شده است مادام که ادعای خود را به اثبات نرسانیده باشد تقسیم انجام شده محمول بر صحت خواهد بود.<sup>۱</sup>

**ب: اماره -** بنا به تعریف قانون مدنی اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. مثال ماده ۳۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هربنا و درخت که در روی زمین هست و همچنین هر بنا و حفری که در زیرزمینی است ملک مالک آن زمین محسوب می‌شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.» یک اماره قانونی براساس قاعده اغلب است و ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیش از ۱۰ ماه نگذشته باشد.» در اینجا قانونگذار در واقع ظن را در حکم علم دانسته و غالب را تعمیم داده و به تأسیس «اماره فراش» دست زده و تولد طفل در زمان زوجیت را کاشف از الحاق آن به شوهر می‌داند. از آنجایی که زیربنای اصل صحت همانند بیشتر قواعد حقوقی در نظر گرفتن مصلحت جامعه می‌باشد. علی‌هذا بسیاری از علماء حقوق اسلامی اصل صحت

۱. سیدمصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، ص ۲۲۵، نشر علوم اسلامی، سال ۱۳۶۳.



را یک «فرض قانونی» یا اصل علمی دانسته‌اند نه یک اماره، زیرا اصل صحت در عقود و ایقاعات از همان دیدگاه اجرا می‌گردد که در گفتار و رفتار اکثر جامعه اجراء می‌شود و همان‌طور که قانونگذار در اغلب موارد در گفتار و رفتار افراد جامعه اصل صحت را پذیرفته است مانند «گزارش ضابطین دادگستری و اظهار مأمور ابلاغ اوراق قضایی» در عقود و ایقاعات نیز از همان دیدگاه اصل صحت را مورد پذیرش قرار داده است و فرقی نیز بین عقود و ایقاعات و گفتار و رفتار افراد جامعه در خارج از عقود و ایقاعات نگذاشته است. به طوری که اصل صحت را در نوشته‌های دیگران نیز می‌توان یافت.<sup>۱</sup> حکم شماره ۱۴۶۵ - ۱۳۱۷/۶/۲۰ دیوان تمیز می‌گوید: «... با احراز صحت انشاء نوشته که حاکی از وقوع معامله باشد در فساد معامله احتیاج به اثبات خواهد بود نه صحت آن».<sup>۲</sup>

گفتیم که اصل صحت در ایقاعات نیز جاری می‌باشد. سؤال و جواب ذیل در کتاب جامع الشتات فقیه عالی قدر میرزای شیرازی نمونه‌ای از جاری شدن اصل صحت است:

سؤال - یک نفر از اهالی این بلاد... زنی را به عقد درآورده و بعد از مدتی طلاق گرفته است... و بعد از عده طلاق شخص دیگری آن زن را معقود نموده و تصرف کرده... بعد از آن شخص اول اظهار اجبار و اکراه کرده که فی الحقیقه در طلاق مجبور بوده است...

جواب - هر گاه شوهر اول احساس کراهت و مجبوری را بعد از عقد شوهر دوم کرده مسموع نیست مگر اینکه به ثبوت شرعی برسد که واقعاً مجبور بوده است و بعد از ثبوت عقد دوم باطل است...»  
می‌دانیم که طلاق از ایقاعات است و در مسأله فوق نیز اصل صحت جاری

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۱، ناشر ابن سینا، سال ۱۳۴۸، ص ۳۶۸.  
۲. محمد بروجردی عبده، اصول قضایی، قسمت حقوقی، مستخرجه از احکام دیوان عالی کشور، ص ۵۳، چاپ تابان، بدون تاریخ چاپ.

گردیده است و اگر شوهر اول مدعی اکراه در طلاق بوده باشد باید دلیل ارائه نماید و الا فرض صحت طلاق فرضی معتبر و متبع و متکی به اصالة الصحة می باشد.<sup>۱</sup>

مثالی دیگر: شخصی مقداری زمین موات را احیاء نموده و از صورت مجلس احراز تصرف مورخ ۱۳۴۲ معلوم است که احیاء از چندی قبل صورت گرفته است از آنجایی که به موجب بند «ب» ماده ششم قانون اصلاحات ارضی مصوب نوزدهم دی ماه ۱۳۴۰ - اراضی موات نیز قابل تقسیم بود. علی هذا اداره اصلاحات ارضی محل مدعی شد که شخص مذکور حق تملک زمین احیاء شده را از طریق احیاء موات ندارد و به تقاضای ثبت شخص یاد شده به دادگاه اعتراض نمود که به لحاظ خارج از موعد بودن رد شد سپس اداره مذکور تقاضای ابطال سند مالکیت احیاءکننده زمین را از شورای عالی ثبت نمود و شورا در تاریخ ۱۳۴۵/۱۲/۹ چنین اعلام نمود:

«با ملاحظه محتویات پرونده مخصوصاً صورت جلسه احراز تصرف و اظهار نظر دادگاه بر رد اداره اصلاحات ارضی جریان ثبتی اشکال ندارد.» با توجه به اینکه تملک از طریق احیاء یکی از ایقاعات می باشد و ملاک ماده ۲۲۳ قانون مدنی نیز ایجاب می کند که عمل احیاء کننده حمل بر صحت شود و مدعی فساد باید فساد آن را ثابت نماید که احیاء پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی صورت گرفته است ولی چون اداره اصلاحات ارضی نیز دلیلی برخلاف احیاء و تصرف متصرف بعد از قانون یاد شده ارائه نکرده بود علی هذا شورای عالی ثبت با در نظر گرفتن اصالة الصحة، ادامه جریان ثبتی را بلامانع اعلام نموده است.<sup>۲</sup>

#### بخش چهارم:

##### «اصل صحت و شبهه حکمی و موضوعی»

هرگاه صحت قرارداد مورد تردید واقع شود منشأ تردید از دو صورت خارج

۱. محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوق، ج ۱، ناشر ابن سینا، ص ۳۷۹.

۲. همان، ص ۳۷۷.

نخواهد بود:

الف) منشأ تردید خطاب و حکم شارع و قانونگذار می‌باشد که در این صورت شبهه حاصل را شبهه حکمیه و یا شبهه حکمی می‌گویند. مثلاً قراردادی منعقد می‌گردد که سنخ و مشابه آن قبلاً وجود نداشته است مانند قرارداد بیمه، با توجه به اینکه در مورد مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن در بین فقها و مخصوصاً فقهاء اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، علی‌هذا در مقام تردید می‌توان با توجه به اصل صحت و عمومات ماده ۲۲۳ قانون مدنی، قراردادهای بیمه را شرعی و صحیح دانست با توجه به اینکه در قسمت اخیر ماده ۲۲۳ مرقوم آمده است که: «... مگر اینکه فساد آن معلوم شود» و از آنجایی که شرع مقدس اسلام نیز با قراردادهایی که مخالف شرع نباشد مخالفتی ندارد و حتی قراردادهای دوران جاهلیت را نیز که مغایر شرع انور نبوده مورد تأیید قرار داده است و با توجه به پیشرفت صنعت و تجارت داخلی و بین‌المللی و ارتباط آن با جان و مال مردم مبتلا به همگانی است و نظر به اینکه نص صریحی بر فساد و بطلان آن در کتب فقهی دیده نمی‌شود علی‌هذا قراردادهای بیمه محمول بر صحت می‌باشند.<sup>۱</sup>

ب) شبهه موضوعیه: هرگاه در اصل جهل به موضوع حکم قانونگذار در صحت عقد یا ایقاعی اشتباه و تردید حاصل شود آن را شبهه موضوعیه یا شبهه موضوعی می‌گویند.

به عبارت دیگر در شبهه موضوعیه حکم و خطاب شارع معلوم است ولی انطباق آن حکم و خطاب با موضوع و فردی از عقد و ایقاع که در خارج واقع شده است مجهول است مثلاً در مورد وکالت شخصی که پروانه وکالت ندارد و فقط عرض حال داده است چون شمول منع قانونی ماده ۵۵ قانون وکالت نسبت به مورد محل تردید است بر مبنای آزادی اراده و عدم دلیل قطعی بر شمول منع نسبت به مورد، حکم بر

۱. توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، ناشر انتشارات کیهان، ص ۱۸۲، چاپ سال ۱۳۷۱، مسعود حائری، مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، ص ۱۸، ناشر انتشارات کیهان سال ۱۳۷۰.

صحت عمل مزبور می‌شود و دادگاه نباید دادخواست را رد کند بلکه باید اخطار رفع نقص به طرف ذی‌نفع بنماید.<sup>۱</sup>

مثال دیگر ماده ۲۱۸ قانون مدنی است. اگر شخصی املاک متعددی داشته باشد و با وجود مدیون بودن اقدام به فروش یکی از املاک خود بنماید به طوری که با فروش یکی از اموال دیگر بتواند ادای دین نماید آیا چنین معامله‌ای معامله به قصد فرار از دین تلقی می‌شود یا خیر؟ شعبه ۳ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۹۸۵ - ۱۳۱۰/۸/۸ خود چنین رأی داده است:

فرار از دین که در ماده ۲۱۸ «قانون مدنی» ذکر گردیده وقتی محقق می‌شود که به سبب معامله مدیون از طرق دیگر قادر به اداء دین نباشد و دارایی او منحصر به مورد معامله تشخیص گردد.<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود که دیوان عالی کشور در خصوص مورد اصل صحت را در شبهه موضوعیه ملاک عمل قرار داده است.

### بخش پنجم:

#### «تعارض اصل صحت و استصحاب»

مواردی پیش می‌آید که موضوع هم مشمول اصل صحت و هم مشمول اصل استصحاب به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه اصل صحت با مدلول استصحاب مطابقت ندارد، علی‌هذا در چنین مواردی تردید حاصل می‌شود که چه باید کرد آیا استصحاب مقدم است و یا اصل صحت، می‌دانیم که اصل استصحاب دو گونه است: حکمی و موضوعی.

**الف) استصحاب حکمی** - استصحاب حکمی آن است که حکمی سابقاً بر مورد و موضوعی مترتب بوده ولی در حال حاضر در بقاء آن تردید داریم که در این صورت

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه علم حقوق، ص ۳۶۶، ناشر گنج دانش، ۱۳۷۱.  
 ۲. سیدمحمد رضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصرالله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۶۷، سال ۱۳۷۹.

حکم سابق را در مورد، استصحاب کرده و آن را قابل اجرا می‌دانیم. در ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی نمونه‌ای از استصحاب حکمی را می‌توان دید. ماده مرقوم می‌گوید: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود...<sup>۱</sup> شعبه هشتم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۵۱۵-۱۳۲۸/۳/۱ خود چنین می‌گوید: «انکار بعد از اقرار قانوناً مسموع نیست بنابراین اگر مثلاً کسی در سابق صریحاً به قیمت (فروش) زمین اقرار نموده باشد درخواست ثبت به عنوان مالکیت بعداً از طرف او صحیح نیست و نمی‌توان اقرار او را به منزله شهادت تلقی نمود.<sup>۲</sup>»

شعبه اول دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۷۸۱-۱۳۲۵/۱۰/۱۹ خود چنین مقرر می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند به استناد اظهارات اخیر انتقال‌دهنده مبنی بر واگذاری مورد معامله به انتقال‌گیرنده اول مورد را با قسمت دوم ماده ۳۳ قانون ثبت تطبیق کرده و در نتیجه اظهارات مزبور را بعد از تاریخ معامله دیگری که با یک نفر دیگر به عمل آمده به ضرر شخص اخیر و برخلاف ماده ۱۲۷۸ قانون مدنی نافذ بداند.<sup>۳</sup> همان طوری که ملاحظه می‌شود دیوان عالی کشور فروش و معامله زمین به وسیله کسی که بعد از انکار نموده و مطالب دیگری را عنوان نموده است مورد پذیرش قرار نداده و فروش و معامله اولیه استصحاب نموده و تقاضای ثبت از فروشنده اولیه پذیرفته نشده است.

**ب - استصحاب موضوعی - استصحاب موضوعی آن است که مورد و موضوعی در گذشته مشمول حکمی بوده است ولی در حال حاضر در بقاء آن موضوع و مشمول حکم سابق بودن تردید حاصل شده است که در این حالت موضوع را مشمول حکم**

۱. اسدالله امامی، حقوق مدنی (پلی کپی) دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ص ۲۵، سال تحصیلی ۱۳۶۹، ۱۳۶۸.  
۲. سیدمحمد رضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۲۸، سال ۷۹.  
۳. همین منبع، ص ۲۹.

سابق دانسته و طبق اصل استصحاب همان حکم را قابل اجراء می‌دانیم.<sup>۱</sup> نمونه‌ای از استصحاب موضوعی را در ماده ۲۶۵ قانون مدنی می‌توان مشاهده کرده به موجب ماده مزبور هر کسی مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع هست بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می‌تواند استرداد کند. شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۱۱-۶۹/۶/۸ خود چنین می‌گوید:

«به موجب مقررات مذکور در ماده ۲۶۵ قانون مدنی صدور چک‌ها از ناحیه خواننده و تسلیم آن به خواهان دلالت بر اشتغال ذمه دارد و مضافاً بر اینکه ادعای وکیل او مبنی بر اینکه چک‌های مستند دعوی در رابطه با قرارداد مورخ ۶/۱۱/۶ صادر گردیده و امانی است نیز فاقد دلیل می‌باشد و برفرض که خواهان چک‌های مستند دعوی را در رابطه با قرارداد مزبور از خواننده دریافت کرده باشد زمانی قابل استرداد می‌باشد که خواننده بدهی‌های مربوط به قرارداد موصوف را به خواهان پرداخته و تسویه حساب کرده باشد. که چنین تسویه حسابی ارائه نگردیده و دلایل پرونده به هیچ وجه حکایت از براءت ذمه خواننده ندارد.<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود که چنانچه شخصی وجهی یا چیزی به دیگری بدهد و تردید [داشته] باشد که آیا بابت بدهی داده است یا تبرعاً؟ فرض بر این است که بابت دین خود داده است و بقاء دین وی استصحاب می‌شود مگر آنکه با دلایلی ثابت نماید که بدهی نداشته است. با بررسی سوابق فقهی معلوم می‌گردد که ظاهراً در بین فقها تردیدی در تقدم اصل صحت بر اصل استصحاب حکمی نمی‌باشد و در این خصوص به دلایل ذیل استناد شده است:

۱- اگر در انتقال یا عدم انتقال مالکیت تردید حاصل شود این تردید به لحاظ تأثیر عقد می‌باشد و اگر در سبب انتقال شک کنیم، اصل صحت حاکم خواهد بود و

۱. اسدالله امامی، حقوق مدنی (پلی کیپی) دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ص ۲۵، سال تحصیلی ۱۳۶۹، ۱۳۶۸.

۲. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد، سال ۷۹، ص ۱۳.

با حکومت آن نیز جایی برای جریان استصحاب در مسبب و انتقال یا عدم انتقال باقی نمی ماند پس اصل صحت بر استصحاب مقدم می باشد.

۲- استصحاب از اصول عملیه می باشد ولی اصل صحت یک اماره قانونی است و در تقدم اماره به اصل نیز تردیدی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

۳- اگر اصل صحت را بر استصحاب حکمی مقدم نشماریم موردی برای اجرای اصل صحت باقی نمی ماند در صورتی که عکس قضیه چنین نیست و اگر اصل صحت را مقدم بدانیم با اثبات خلاف آن جایی برای جریان استصحاب باقی خواهد ماند.<sup>۲</sup>

در مورد تقدم اصل صحت بر استصحاب موضوعی نیز باید گفت که هر چند بعضی از فقها در آن تردید دارند ولی به نظر می رسد که با توجه به اماره بودن اصل صحت و اصل بودن استصحاب<sup>۳</sup> و حاکمیت اماره بر اصل، می توان بر تقدم اصل صحت به استصحاب موضوعی اظهار عقیده نمود ولی باید توجه داشت که این امر در موارد معمولی است ولی چنانچه حالت سابقه از خصوصیتی برخوردار باشد که طبع و ذات آن اقتضاء بقاء را دارد و دگرگونی آن حالت و خصوصیت نادر است در آن صورت تمسک به اصل صحت موجه نخواهد بود. مثلاً هرگاه مال موقوفه ای توسط موقوف علیه یا ناظر به فروش برسد ولی در تحصیل مجوز قانونی برای فروش شک و تردید داشته باشیم نمی توان به اصل صحت متوسل شد و معامله انجام یافته را صحیح دانست و موقوف علیه لاحق می تواند از دادگاه درخواست خلع ید بنماید و چنانچه مجوز معامله موقوفه برای دادگاه محرز نباشد دادگاه به نفع خواهان رأی می دهد. زیرا

۱. اسدالله امامی، حقوق مدنی (پلی کی) دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ص ۲۶، سال تحصیلی ۱۳۶۹.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ص ۳۲۳ و سیدمصطفی محقق داماد، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم اصول علمیه و تعارض ادله، ناشر مرکز نشر علوم اسلامی ۱۳۷۷، ص ۱۸۱.

طبع و ذات وقف اقتضاء تحبیس عین را دارد و عارض شدن شرایط تجویز معامله از قبیل خوف خرابی و تنازع شدید میان ارباب موقوفه نادر است و به همین جهت نیز استناد به اصل صحت در چنین موردی منطقی نخواهد بود.

بیان این مطلب نیز شایان توجه است که دلیل و اعتبار اصل صحت سیره عقلاء و سیره عملیه می‌باشد. پس هرگاه بدانیم که در موردی سیره مسلمین و بناء عقلاء جاری است حکم به صحت داده می‌شود ولو اینکه استصحاب برخلاف آن باشد زیرا وجود سیره برای مقدم شمردن اصل صحت و تشخیص ادله استصحاب کافی است ولی در مواردی که این سیره معلوم نباشد استصحاب جریان می‌یابد و از توسل به اصالة الصحة خودداری می‌شود.<sup>۱</sup>

### بخش ششم:

#### «دله اصل صحت»

الف) آیات قرآنی: در قرآن مجید آیات زیادی وجود دارد که دلالت بر اعتبار اصل صحت دارد و از آن جمله است آیه شریفه «قولوا للناس حسناً» (آیه ۸۳ سوره بقره) یعنی برای مردم خوبی بگوئید. در اصول کافی و در تفسیر این آیه آمده است که مرحوم شیخ انصاری از قول معصوم (ع) نقل می‌نماید که معصوم فرموده است این آیه بدان معنی است که درباره مردم تا هنگامی که چگونگی کارشان معلوم نشده است جز سخن خیر نگوئید. آیه دیگر «اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم» یعنی درباره مردم گمان بد نبرید همانا که برخی از گمان‌ها گناه است. (آیه ۳ سوره حجرات) آیه شریفه «اوفوا بالعقود» (سوره مائده آیه ۱) و همچنین آیه شریفه «تجارة عن تراض» (سوره نساء آیه ۲۹) نیز دلایل دیگری بر اصل صحت می‌باشند. به موجب این آیات، بر هر چیزی که عنوان عقد و تجارت صادق آید باید آن را صحیح شمرد

۱. ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص ۳۲۳، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۶.



و این همان اجرای اصل صحت در اعمال مشکوک الصَّحَّةُ می‌باشد.

(ب) روایات: روایت «المؤمنون عند شروطهم» یعنی مؤمنین و مسلمانان باید پای‌بند شروط خود باشند و با توجه به اینکه شرط نیز مانند عقد به معنی الزام و التزام می‌باشد پس آنچه که بر پای‌بندی اشخاص به لزوم رعایت شرط حکم می‌کند دلالت بر صحت عقود نیز دارد.<sup>۱</sup>

خبر دیگری نیز در کتاب کافی از حضرت علی بن ابی طالب (ع) آمده است که آن حضرت فرمودند: «ضع امر اخیک علی احسنه حتی یأتیک ما یقلبک عنه و لا تظن بکلمة خرجت من اخیک سؤ و انت تجد لها فی الخیر سیلا» یعنی کار برادر دینی و همکیش خود را به بهترین وجه تأوین کن تا اینکه از او رفتاری آید باور تو را دگرگون سازد و نیز به گفتار برادرت تا می‌توانی گمان بد مبر.

خبر دیگری نیز از معصوم (ع) نقل شده است که فرمودند: «احمل اخاک علی احسن الوجوه و لا تظن به الا خیرا» یعنی کارهای برادرت را به بهترین وجه حمل کن و جز گمان خوب در مورد او روا مدار.

بنابراین اگر معامله‌ای از قبیل بیع و اجاره و... واقع شده باشد و طرف ابتلا شخص ثالثی واقع گردد باید بنا را بر صحت آن گذارد و ترتیب آثار صحت را بر آن داد.

با مراجعه به آیات و روایات فوق معلوم می‌گردد که اسلام فطرت آدمی را بر پاکی و درستی می‌داند و دستور می‌دهد که اعمال دیگران را حمل بر صحت کنند.

(ج) اجماع: بررسی فتاوی و آراء فقهای اسلامی در موارد مختلف و ملاحظه اتفاق نظر آنان در مورد پذیرش اصل صحت نشانه اجماع در این باره می‌باشد و با توجه به اینکه جمعیت اجماع به عنوان کاشف از رضای معصوم، یکی از ادله اصل صحت شمرده شده است علی‌هذا در موردی از اجماع می‌توان برای اثبات اصل صحت استفاده نمود که اهل فتوا در آن مورد اتفاق نظر داشته باشند.

۱. حسین فریار، نشریه مؤسسه حقوقی تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۶، مقاله اصل صحت، زیر نظر دکتر ابوالقاسم گرجی، ص ۶۶، امسال ۱۳۶۵.

د) سیره عملی عقلاء مسلمین: دلیل دیگر اثبات اصل صحت روش و سیره عقلاء مسلمین و حتی ادیان دیگر می‌باشد که اعمال مردم را تا زمانی که پی به فساد آن نبرده‌اند حمل بر صحت می‌نمایند و شارع نیز این روش را منع نمی‌کند و عدم منع شارع نیز دلیلی بر آن است که قانونگذار اسلامی روش عقلاء را حجت می‌شمارد.

### بخش هفتم:

#### «اصل صحت در تفسیر قراردادها»

در حقوق ایران در مواردی که قرارداد احتیاج به تفسیر دارد باید قرارداد را چنان تفسیر کرد که به اصل صحت لطمه‌ای وارد نشود و حتی الامکان به نفوذ معامله بینجامد و در مورد الفاظ و عبارات به کار رفته نیز چه در اصل عقد و چه در شرایط ضمن عقد، باید آن معانی‌ای به کار رود که لغو و بی‌فایده جلوه‌گر نگردد و بنابراین لازمه اصل صحت این است که در هنگام تردید از تفسیری که منجر به بطلان عقد یا شرایط ضمن عقد می‌گردد، پرهیز شود.

مثلاً اگر تردید شود که آیا ضمان معلق است و یا اینکه ضامن خواسته است که اجرای تعهد خود را معلق به امر دیگری سازد باید معنای دوم را ترجیح داد زیرا نتیجه انتخاب نخستین، بطلان ضمان است. (ماده ۶۹۹ ق. ۲)

رای شماره ۳۳۷۶ - ۱۳۰۹/۷/۷ دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «تعلیق پرداخت در مورد ضمان موجب تعلیق اصل ضمان و بطلان آن نخواهد بود ولو اینکه معلق علیه تعلق و تسامح دائن باشد.»<sup>۱</sup>

رای شماره ۱۵۶۱ - ۱۳۰۸/۲/۱۴ نیز می‌گوید: «التزام موضوعاً و حکماً با ضمان مخالف است و تعلیق در التزام مطابق ماده ۶۹۹ و ماده ۷۳۳ قانون مدنی صحیح

۱ و ۲. محمد بروجردی عبده، اصول قضایی، قسمت حقوقی - مستخرجه از احکام دیوان عالی کشور، ص ۱۵۱، چاپ تابان، بدون تاریخ.

است.»<sup>۱</sup>

در رأی دیگر دیوان عالی کشور به شماره ۲۵۲ - ۱۳۱۱/۲/۲۴ چنین آمده است: «اگر کسی به این عبارت ضمانت کند (ضامنم اگر معیوب شود) این قبیل از عبارات در معنی تعهد بر تدارک عین است در صورت تلف یا عیب و به معنی نقل از ذمه به ذمه نیست تا به علت تعلیق باطل باشد و تعهد مزبور نظیر ضمانتی است که در مورد عاریه و یا معامله از طرف گیرنده یا کس دیگری نسبت به عین به عمل می آید.»<sup>۲</sup>

رأی شماره ۹۶۲ - ۱۳۱۶/۴/۲ نیز چنین می گوید: «تعلیق اگر مربوط به پرداخت باشد ضمانت تعلیق نیست (ضامنم هرگاه او نداد من بدهم).»<sup>۳</sup>

درباره شرط ضمن عقد نیز همان طوری که قبلاً گفته شد شرط نیز پاره ای از عقد می باشد و تابع آن است و بنابراین اصل صحت قراردادها شامل شروط ضمن عقد نیز می شود و با توجه به اینکه اصل صحت یکی از معیارهای تفسیر می باشد در مورد شروط ضمن عقد نیز باید الفاظ آن چنان معنی و تفسیر شود که فایده ای از آن به دست آید زیرا بی فایده بودن شرط، موجب بطلان آن است. (بند ۲ ماده ۲۳۲ ق.م.)

و بنابراین به شیوه ماده ۲۲۳ قانون مدنی می توان گفت هر شرطی محمول بر صحت است مگر آنکه خلاف آن ثابت و معلوم گردد. قانون مدنی نیز بر همین مبنا، به جای بیان شرایط درستی و نفوذ شرط، به تقسیم و شمارش شروط باطل پرداخته است و این شیوه نگارش نشان می دهد که قانونگذار «اصل صحت شرط» را پذیرفته است.

شعبه سوم دیوان عالی کشور در رأی ۷۴۴ - ۷۱/۱۱/۱۹ مقرر می دارد: «شروط باطل و مبطل عقد در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی تصریح گردیده و شرط مذکور در سند عادی مورخ ۶۶/۵/۴ در صورتی که چک تسلیمی احیاناً خالی از وجه باشد و به هر صورت به وجه نقد تبدیل نگردد قولنامه منفسخ و ... با هیچ یک از شروط باطله

۲. همان، ص ۷۸.

۳. خلیل صبری، روش دادرسی آراء دیوان عالی کشور از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴، ص ۴۳، چاپ سال ۱۳۲۵.

مشروط و باطل و مبطل عقد مصرح و محصور در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی مطابقت ندارد مضافاً به اینکه (طبق) ماده ۱۰ قانون مدنی برای اثبات بطلان هر قرارداد و شرطی لازم است که قانون به صراحت آن را باطل بشناسد و در قانون مدنی بطلان شرط مذکور وجود ندارد و در ثانی از نظر تقسیم‌بندی شرایط ضمن‌العقد بر مبنای ماده ۲۳۴ قانون مدنی شرط مذکور در قرارداد مستند دعوی داخل در عنوان شرط نتیجه است و در قانونی بودن اشتراط چنین شرطی در معامله نمی‌توان تردید کرد.<sup>۱</sup>

رأی اصداری شماره ۱۹۹ - ۴۸/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور چنین می‌گوید: «از مواد مربوط به احکام شرط فعل اثباتاً یا نفیاً استفاده نمی‌شود که تخلف از انجام شرط موجبات بطلان معامله با حق استرداد باشد بلکه جبران به نحوی است که در قانون مدنی مقرر گردیده...»<sup>۲</sup>

در رأی اصداری شماره ۱۹۱ - ۴۸/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز چنین آمده است: «درباره شرطی که ولی قهری را از انجام هرگونه معامله تا رسیدن مولی علیه به سن ۱۸ سالگی ممنوع ساخته است، اکثریت هیأت عمومی دیوان عالی کشور موضوع را مشمول ماده ۲۳۷ ق.م. دانسته است و معامله با حق استرداد ولی قهری را که برخلاف شرط انجام شده باطل تلقی نکرده است.»<sup>۳</sup>

با توجه به قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم» نیز هر شرطی را باید محترم شمرد مگر آنکه خلاف آن ظاهر شود و این خود یکی از مبانی احترام به عهد و پیمان است که در آیه شریفه «أوفوا بالعقود» آمده است.

ایزد اوفوا بعهدکم فرمود آدمی عهد را وفا ننمود

### بخش هشتم:

«اصل صحت در فقه اهل سنت و سایر مذاهب»

۱. سیدمحمد رضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، ص ۸۵ انتشارات مجد، سال ۷۹.  
 ۲ و ۳. همان، ص ۸۷ و ۷۶.

ظاهراً در فقه اهل سنت به اصل صحت به عنوان یک موضوع مستقل اشاره‌ای نشده و در کتب اصولی آنها نیز اصل مذکور عنوان خاصی را حائز نگردیده است. با این حال در خلال پاره‌ای از مباحث فقهی و مخصوصاً در مباحث مربوط به اختلاف متعاقدين عبارت و یا مثال‌هایی مشاهده می‌شود که دلیل بر پذیرش اصل صحت می‌باشد. در کتاب «البحر الزَّخَّار» تألیف امام احمد بن یحیی بن مرتضی که از فقهای زیدیه در قرن نهم هجری بوده است، چنین آمده است: «القول فی العقد لمنکر وقوعه او فسخه اجماعاً اذ هولاًصل و لمنکر فساده. اذا الظاهر من عقود المسلمين الصَّحَّة»<sup>۱</sup> یعنی در عقد اجماعاً بنا بر اصل سخن منکر وقوع عقد یا فسخ آن را می‌پذیرند و نیز در مورد ادعای فساد عقد گفتار منکر فساد مقبول است زیرا ظاهر در عقود مسلمین صحت است. قسمت اخیر متن مذکور در مقام بیان اصل صحت است یعنی در مورد اختلاف در صحت و فساد عقد، قول کسی پذیرفته است که عقد را صحیح و درست می‌داند مگر آنکه مدعی فساد آن را اثبات نماید و این در حقیقت تمسک به اصالة الصَّحَّة می‌باشد.

شمس‌الدین ابن قدامه، فقیه معروف حنبلی نیز در کتاب الشرح الکبیر در مورد اختلاف بین متبایعینی که یکی به علت مجهول بودن ثمن و مدت خیار و نحوه آن مدعی فساد بیع است و دیگری ضمن ادعای معلوم بودن ثمن و مدت خیار مدعی صحت عقد می‌باشد چنین می‌گوید: «القول قول من یدعی الصَّحَّة مع یمینه لان ظهور تعاطی المسلمین الصحیح اکثر من تعاطی الفاسد»<sup>۲</sup>

از متن مذکور نیز چنین برمی‌آید که فقیه مذکور قول مدعی صحت عقد را با سوگند می‌پذیرد و استدلال می‌کند که ظاهر آن است که دادوستد مسلمین به صورت صحیح بیشتر از صورت فاسد انجام می‌گیرد و بدین ترتیب اصل غلبه را که همان سیره

۱. حسین فریار، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، اصل صحت (مقاله) زیر نظر دکتر ابوالقاسم گرجی، شماره ۶، ص ۱۶۱، چاپ ۱۳۵۸.  
۲. همان، ص ۱۶۴.

عقلاء می‌باشد دلیل اصل صحت می‌شمارد.

شمس‌الدین محمد رملی، فقیه شافعی نیز در کتاب نه‌ایه المحتاج مواردی از اصل صحت را آورده است که از جمله آنها چنین آمده است: «ان اختلفا فی الرؤیة فالقول قول مدعیها بیمینه لأن الاقدام علی العقد اعتراف بصحته و هو جار علی القاعدة فی دعوی الفساد؛<sup>۱</sup> یعنی هرگاه طرفین در رؤیت مبیع اختلاف نمایند و مشتری بگوید که قبل از خرید ندیده بودم و برعکس بایع بگوید آن را دیده‌ای، سخن مدعی رؤیت یعنی بایع را که به آن سوگند یاد می‌کند می‌پذیرند. چه اقدام به عقد اعتراف به صحت آن است و در ادعای صحت و فساد باید همواره چنین رفتار شود و قول مدعی صحت مقدم قرار بگیرد» ملاحظه می‌شود که فقیه مذکور نیز اصل صحت را پذیرفته است.

در جلد چهارم کتاب نه‌ایه المحتاج نیز آمده است: «لو ادعی صحه البیع و الاخر فساد فالاصح تصدیق مدعی الصحه بیمینه»<sup>۲</sup> یعنی اگر یکی از متعاقدین ادعای صحت عقد و آن دیگری ادعای فساد عقد را بنماید درست‌تر آن است که تصدیق مدعی صحت با سوگند وی به عمل آید. شارح نه‌ایه المحتاج در تفسیر مطلب فوق توضیح می‌دهد: «لان الظاهر فی العقود الصحه و اصل عدم العقد الصحیح يعارضه اصل عدم الفساد»<sup>۳</sup> یعنی ظاهر در عقود صحت است و اصل عدم عقد صحیح مورد معارضه و مخالفت اصل عدم فساد (و به اصطلاح محکوم آن) می‌باشد و به همین جهت می‌توان گفت که در فقه اهل سنت اصل صحت یکی از دلایل صحت عقود می‌باشد.

۱. همان، ص ۱۶۴.

۲ و ۳. همان، ص ۱۶۴.